

کرسی های درس خارج / «موضوع شناسی» در حوزه ها تحول یابد/ حوزه «پای در سنت، اما نگاه رو به آینده داشته باشد»/ تفکر «سنت گرایی» مانعی برای پیشرفت سریعتر حوزه شده است؛ کاملان در گفت و گو با شفقنا

شفقنا- حجت الاسلام و المسلمین کاملان استاد درس خارج فقه حوزه، معتقد است که حوزه های علمیه باید «پای در سنت، اما نگاه رو به آینده داشته باشند». اگر حوزه ها این دو بُعد را در کنار هم جمع کنند یعنی هم حافظ سنت باشند و هم به نیازهای زمانه توجه داشته باشند و پس از موضوع شناسی، با ابزار استنباط و اجتهاد مسایل امروز را حل و فصل کنند، می توان آینده روشنی برای آن متصور بود.

این استاد حوزه و دانشگاه تأکید دارد که سرعت زمانه بیش از سرعت پیشرفت حوزه های علمیه است و تفکر سنت گرایی مانعی برای پیشرفت سریعتر حوزه شده است.

کاملان می گوید: امروز موضوع شناسی از جایگاه عظیمی برخوردار است و ضروری است با توجه به تحولات روز، موضوع شناسی نیز تحول پیدا کرده تا با تناسب موضوع، احکام نیز مناسب با آن استنباط شود.

متن گفت و گوی شفقنا با حجت الاسلام و المسلمین کاملان را می خوانید:

\* وضعیت کرسی های درس خارج از نظر کیفی و موضوعی و موضوع شناسی به ویژه پاسخگویی به مسائل مستحدثه در اجتهاد چگونه است؟

کیفیت کرسی های درس خارج در حوزه های علمیه قم، نجف، مشهد، اصفهان و سایر حوزه ها متفاوت هستند و این تفاوت به میزان به روز بودن مباحث و توجه به مسایل مستحدثه یا موضوعات روز بستگی دارد.

یک روشی از قدیم در حوزه های علمیه مرسوم بوده و آن اینکه طلاب در حین ورود به حوزه علمیه ابتدا مقدمات، ادبیات و معانی بیان و منطق می خوانند و سپس وارد سطوح بالاتر شده و فقه و اصول را دریافت می کنند و در کنار دروس فقه و اصول به مطالعه تفسیر نیز می پردازند.

اما امروز برخی از حوزه ها بر اثر تحولاتی که در جوامع مختلف مانند ایران، ترکیه، سوریه، پاکستان و کشورهای آفریقایی مانند مصر و لیبی به وجود آمده، سعی می کنند روش تدریس و موضوعات مورد بحث را تا حدودی به روز کنند. امروز اطلاعات و اطلاع رسانی از طریق اینترنت، جهانی شده و در بسیاری از کشورها یک انفجار انفورماتیک را شاهدیم لذا به طبع آشنایی حوزه های علمیه با جهان، بیشتر و روز آمد شده است.

میزان آشنایی و روز آمدی حوزه های علمیه با مسایل مبتلا به جوامع مختلف به مقدار جست و جو و کنکاش حوزه ها و استفاده از اینترنت برای به روز شدن در این عرصه می باشد که معتقدم حوزه علمیه قم از این نظر پیشرفته تر از سایر حوزه هاست. با توجه به اطلاع رسانی های لحظه ای که امروز در فضای مجازی صورت می گیرد، حوزه های علمیه ناچار هستند که با سلسله مسایل دیگری غیر از فقه و اصول نیز آشنا باشند.

البته پیشرفت حوزه نسبت به تحولات کند است

نکته دیگر اینکه اگرچه حوزه علمیه قم در زمینه توجه به مباحث روز حرکت هایی را آغاز کرده و در موضوعات درس های خارج به مباحث مستحدثه روی آورده است.

تحولات و نیازهای جوامع نشان می دهد که حوزه ها به علومی مانند روانشناسی، جامعه شناسی، فلسفه، عرفان، اخلاق و تاریخ نیازمندند و روحانیون باید نسبت به آنها دقت نظر لازم را داشته باشد و پاسخگوی نیازهای جامعه در این عرصه ها باشند. البته تحولات در برخی از عرصه ها حاکی از حرکت آهسته و پیشرفت های حوزه ها در این مسیر است به عنوان مثال زمانی حوزه علمیه مشهد در مقابل خواندن فلسفه مقاومت می کرد، اما امروز در حوزه مشهد، فلسفه در حد بدایة الحکمه و نهایة الحکمه تدریس شود.

مسیر تحول و به روز شدن مباحث، در حال طی شدن است

به هر ترتیب در حوزه های علمیه مخصوصاً حوزه علمیه قم، موسسات تحقیقاتی و دانشگاه های فراوانی مانند دانشگاه مفید، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشگاه باقرالعلوم و دانشگاه قم

تأسیس شدند و به مباحث روز می پردازند. اگرچه حوزه با مقداری تأخیر پا به این عرصه گذاشت، اما مسیر تحول و به روز شدن مباحث، در حال طی شدن است.

\* امروزه حداقل صدها مساله قضائی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی به ویژه در پزشکی و اخلاق پیدا شده است که همه آنها از قبیل تبدل موضوع و تغییر موضوع است و احکام جدیدی را می طلبد. آیا مجتهدین که امروز پرورش می یابند مجتهدینی آگاه به زمان و موضوع شناس و توانمند در اجتهادی پخته و جامع هستند؟

مجتهدین امروز با مجتهدین گذشته متفاوت هستند. اجتهاد دارای دو رکن است که یک رکن «موضوع» و رکن دوم «حکم» است. حکم را مجتهد از ادله، کتاب، سنت و احادیث پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)، عقل و اجماع استنباط و استخراج می کند، اما مهم تر از حکم، «موضوع» است. امروز ضروری است تا حکم مناسب با موضوع بیان شود و به همین دلیل موضوع شناسی از جایگاه عظیمی برخوردار است.

تناسب «موضوع» و «حکم» از نیازهای ضروری امروز است

مقایسه ای میان حکم گذشته و امروز درباره موضوع «پول و بانکداری» اهمیت موضوع شناسی را بیشتر نشان می دهد. در قدیم طلا و نقره ارزش مالی داشت و معاملاتی با این دو کالا انجام می گرفت، اما امروز اسکناس، جایگزین طلا و نقره شده و ارزش آنها به واسطه پشتوانه سیاسی و اقتصادی کشور است؛ با این حال در رساله ها می بینیم که مجتهدی برای فرار از ربا (حیل ربا) جایز می داند که مثلاً یک اسکناس هزار تومانی را به دیگری بفروشید و در ازای آن پس از گذشت چندین ماه، ۵ هزار تومان دریافت کنید.

این نمونه ها نشان می دهد که ضروری است «موضوع شناسی» در حوزه ها به صورت جدی دنبال شود. اگرچه بسیاری از مسایل مهم روز از جمله اقتصاد اسلامی، پول و بانکداری در برخی از دانشگاه ها و موسسات حوزه در حال تدریس است، اما سرعت کند است؛ تعداد افرادی که جذب این رشته ها و گروه ها می شوند، نسبت به حوزویان زیاد نیستند بنابراین باید

سرعت را بیشتر کرد و این امر را جدی تر گرفت. امیدواریم شرایط فعلی زمانه موجب شود تا حوزه ها به صورت جدی تر به این مباحث ورود کنند.

\* آیا به عنصر زمان و مکان به عنوان یک عنصر بنیادی و اساسی و فراگیر موثر در اجتهاد اهتمام ورزیده می شود؟ توجه به آن چه ضرورتی دارد؟

اهتمام به دو عنصر زمان و مکان مخصوصاً در ناحیه موضوع شناسی به شدت مورد نیاز است. حتی اگر بیان کنیم که احکام را از کتاب و سنت به دست می آوریم و چیز جدیدی نیست، اما فهم امروز یک مجتهد از همان ادله، با فهم مجتهد گذشته کاملاً متفاوت است؛ نمونه های آن را در فقه می توانیم ببینیم مثل «منزوحات بئر» به معنای کشیدن آب از چاه.

در آن زمان که مردم آب چاه مصرف می کردند، اگر حیوانی در چاه می افتد و میمرد، آقایان قائل بودند به اینکه آب چاه نجس شده و باید چند دلو از آب چاه کشید تا آب پاک شود که بر اساس نوع حیوان، تعداد دلو هم متفاوت است. اما از دوره علامه حلی به بعد این حکم تغییر کرد. ایشان از روایاتی استفاده کرد و فرمود که آب چاه چون از خودش تراوش می شود و دارای منبع است، هرگز نجس نمی شود.

بنابراین در زمان های مختلف فهم مجتهد از یک موضوع، آیه و روایت کاملاً متفاوت است. در مسایل معارف هم همینطور است، امروزه در بحث توحید افعالی، ذاتی و صفاتی از آیات قرآن و روایاتی که در حوزه عقاید آمده، استفاده هایی می شود که در گذشته استفاده نمی شد؛ استفاده از این آیات و روایات در میان کسانی که اهل تعقل بودند و برای عقل جایگاهی قائل بودند، با کسانی که وجهه اخباری داشتند، کاملاً متفاوت بوده و هست.

به عنوان مثال شیخ صدوق به عنوان یک محدث، رساله کوچکی به نام «اعتقادات شیعه» دارد و در حوزه های مختلف اعتقادات، فرمایشاتی کردند و چون شیخ مفید یک عالم نسبتاً عقل گرایی بود، اعتقادات مرحوم صدوق را به طور مفصل نقد و بررسی کرد و کتاب «تصحیح الاعتقادات» را نوشت. امروز هم با توجه به تحولات روز، موضوع شناسی دقیق و صحیح و سپس ارتقا و تغییر حکم از ضروریات است که حوزه در این مسیر قدم هایی برداشته و

پیشرفت‌هایی کرده، اما باید تلاش مضاعفی کرد چرا که سرعت زمانه بیش از سرعت پیشرفت حوزه‌های علمیه است.

\* برای اینکه این عقب‌ماندگی که به آن اشاره کردید جبران شود، مهم‌ترین موانع و کاستی‌ها کدام است و برای نیل به وضعیت مطلوب چه باید کرد؟

تفکر «سنت‌گرایی» مانعی برای روز آمدی و پیشرفت بیشتر حوزه

مانع اساسی «سنت‌گرایی» است که در میان حوزویان وجود دارد. البته سنت‌گرایی جنبه مثبت و جنبه منفی دارد؛ جنبه مثبت آن این است که باید دین را از منابع دین بگیریم؛ مخصوصاً در حوزه فقه و فروع فقهی باید توجه به فقهای گذشته داشته باشیم و اینطور نباشد که نظریه‌ای دهیم که کاملاً بی‌ربط با نظر گذشتگان باشد.

اما سنت‌گرایی از این جنبه منفی است که بخواهیم بر همان نظریات سلف صالح باقی بمانیم چرا که این امر باعث عقب‌ماندگی حوزه‌ها می‌شود. هنوز عده‌ای تأکید دارند که باید راه سلف صالح را طی کنیم و با همان نظرات آشنا شویم، اما به نظر می‌رسد حوزه‌ها برای اینکه در این عرصه نیز پیشرفت داشته باشند باید سلف صالح را به عنوان الگو مدنظر قرار دهند و به آرا و نظریات آنها توجه داشته باشند، اما این توجه در حد تقلید محض نباشد. به عبارت دیگر حوزه‌های علمیه باید «پای در سنت، اما نگاه رو به آینده داشته باشند». اگر حوزه‌ها این دو بُعد را در کنار هم جمع کنند یعنی هم حافظ سنت باشند و هم به نیازهای زمانه توجه داشته باشند و پس از موضوع شناسی، با ابزار استنباط و اجتهاد مسایل امروز را حل و فصل کنند، در این صورت می‌توان امیدوار بود که حوزه‌ها به مرور پویا شوند.

\* برای تغییر در رویه‌ها و موضوعات حوزه چه پیشنهاداتی دارید؟

باید از بحث درباره موضوعات جزئی مربوط به نماز، روزه، حج و امثال ذلک خارج شویم، این موضوعات از دیر زمان مورد توجه فقها بوده است و بحث‌های مفصلی درباره آنها شده، اما امروز باید مسایل مستحدثه را بررسی کنیم و پاسخگوی نیازهای جامعه در این عرصه باشیم؛

البته چند سالی است که حوزه قم درس هایی با این عناوین را تدریس می کند که شروع مبارکی است و ادامه آن ضروری به نظر می رسد.

نکته دیگر اینکه حوزه ها در زمینه موضوع شناسی باید با علوم دیگر نیز آشنا شوند به عنوان مثال می توان از فلسفه های تحلیلی در علم اصول فقه استفاده کرد. به طور کلی معتقدم به جای بحث های لغوی که در ابتدای علم اصول هست و در درس های خارج مطرح می شود، بهتر است روی مباحث فلسفه های تحلیلی مخصوصاً در جهت استنباط و فهم متن کار شود و آموزش داده شود، این امر به یک روحانی کمک می کند تا بتواند فهم خوبی از متن کتاب و سنت داشته باشد.

\* با روند فعلی آیا در دهه های آینده حوزه های علمیه همپای نیازهای دین و پاسخگوی جامعه خواهند بود؟

از آن جایی که حوزه ها از مدت ها پیش نسبت به مسایل مستحدثه و آنچه مبتلا به جامعه هست مانند اقتصاد اسلامی و... توجه کرده و به این مباحث می پردازند، باید نسبت به آینده حوزه علمیه امیدوار بود. البته هنوز فلسفه های تحلیلی در حوزه ها رایج نیست، کم و بیش برخی از دوستان بحث های هرمنوتیک را مطالعه می کنند و ترجمه ها را دیدند، اما اگر این مباحث از سوی اساتید تدریس شود، بسیار مفید خواهد بود. به طور کلی حوزه ها با رفع نواقص و تلاش مضاعف در عرصه پیشرفت، خواهند توانست همراه با زمانه پیش بروند و پاسخگوی سوالات روز باشند که در این صورت می توان آینده روشنی برای حوزه های علمیه متصور بود.